

### تبشیری‌ها در عصر قاجار - 3

در دو شماره گذشته، به ترتیب مطالبی درباره اقدامات مبلغان استعماری و مسیحی در ایران - دوره قاجار - همچون: ترجمه و پخش انجیل، نشر کتب مسیحی در کنار کتاب مقدس، سفرنامه‌نویسی، فعالیت پزشکی، نشر سرودهای مسیحی، تأسیس مدرسه به سبک مسیحی، ارتباطگیری با عشایر ایرانی، تلاش برای جذب دربار و حکام محلی؛ و نیز معرفی چهره‌های شاخص و تأثیرگذار این جریان در ایران به حضور شما تقدیم شد. در آخرین قسمت، به معرفی دو تن از چهره‌های مهم دیگر تبشیری و اقداماتشان در ایران می‌پردازیم.

#### 2. ژوزف ولف

یکی دیگر از مبلغان منفردی که پس از هنری مارتین به ایران آمد و فعالیت گسترده‌ای را در دربار قاجار و شهرهای مختلف ایران برای اشاعه مسیحیت در پیش گرفت، مردی آلمانی‌تبار و یهودی‌الاصل به نام «ژوزف ولف» - متولد 1796 م -

بود. گرچه پدر ولف از روحانیان یهودی بود، اما ولف در جوانی ضمن فراگیری زبان‌های بیگانه - به‌ویژه زبان یونانی - با عقاید مسیحیت آشنا شد و از این‌رو برای تحصیل به رم رفت. ولف سپس در کمبریج به تحصیل زبان‌های فارسی و عربی پرداخت، الهیات مسیحیت پروتستان را فراگرفت و پس از مدتی به تبلیغ در بین یهودیان علاقمند شد. ژوزف ولف در انگلستان به کلیسای انگلیکن پیوست و در «انجمن لندن برای اشاعه مسیحیت در بین یهودیان» یا «CMJ» به فعالیت پرداخت. سرانجام ولف نیز همانند هنری مارتین تحت تأثیر عقاید و آرای «چارلز سیمنون» داوطلب شد به عنوان یک واعظ معمولی برای تبلیغ به شرق میانه اعزام شود. ژوزف ولف سفر تبلیغی خود را در سال 1821 (1236ق) آغاز کرد. این سفر پنج سال به طول انجامید.

جوزف ولف در نوامبر سال 1824 (1239ق) وارد بوشهر شد و سپس از کازرون، شیراز، اصفهان، کاشان، تهران و تبریز دیدن کرد و در تمامی این شهرها با یهودیان و مسلمانان درباره مسیحیت به بحث پرداخت. ولف نیز همانند مارتین، بدون وقفه و تحت هر شرایطی به تبلیغ می‌پرداخت. به‌عنوان مثال وی یک‌بار در شهر تبریز از ساعت ده صبح تا شش بعد از ظهر به شش زبان روسی، فرانسوی، ایتالیایی، آلمانی، انگلیسی و سریانی موعظه کرد.

ولف در 1826 (1242ق) ازدواج کرد. نتیجه این ازدواج، پسری به نام هنری دراموند بود که بعدها به نمایندگی مجلس انگلستان رسید و مدتی نیز به‌عنوان «وزیرمختار انگلستان در ایران» به خدمت پرداخت. سرهنری دراموند ولف مقارن انجام مأموریت خود در ایران (1887-1890) به‌عنوان یکی از سیاستمداران فعال در عرصه اقتصاد بین‌الملل انگلستان و به سبب ده سال نمایندگی حزب محافظه‌کار در مجلس این کشور، از حمایت و پشتیبانی کارگزاران دولت متبوعه خود برخوردار بود. وی با تکیه بر تجربیات اقتصادی خویش و به‌منظور کاهش نفوذ روسیه، در صدد جلب سرمایه‌گذاری تجار انگلیسی در ایران برآمد و در رویدادهای اقتصادی مهمی نظیر انعقاد قرارداد تجاری رویتز، امتیاز تالبوت در انحصار خرید و فروش توتون و تندباکو و آزادی کشتیرانی در کارون، نقش مؤثری ایفا کرد. علاوه بر این، وی را باید پیشرو تفکر رسمیت‌بخشیدن به حضور روسیه و انگلستان در ایران دانست که سرانجام با انعقاد عهدنامه 1907 به حقیقت پیوست.

#### فعالیت‌های ولف

الف. ملاقات‌های سیاسی - تبلیغی: ژوزف ولف شرح سفر خود را در کتابی با عنوان تحقیقات و زحمات تبلیغی بین یهودیان، مسلمانان و سایر فرق به تفصیل بیان کرده است. وی در این سفر، با شاهزادگان قاجار از جمله «عباس‌میرزا نایب‌السلطنه» و اعضای سفارت انگلستان در آذربایجان مانند دکتر مک‌نیل (Dr. McNeill)، سرجان کمپبل (Sir John Campbell) و دکتر کورمیک (Dr. Cormick) ملاقات

کرد. او در طول سفر همواره خود را یک انگلیسی‌واعظ معرفی می‌کرد و با پیروان فرق و ادیان مختلف به بحث و گفت‌وگو می‌پرداخت، به‌گونه‌ای که بخشی از کتاب او به شرح مباحث وی با یهودیان، زرتشتیان، ارمنه، مسلمانان شیعه، سنی، صوفیان و... اختصاص دارد.

ژوزف ولف در خراسان با عباس‌میرزا نیز ملاقات کرد. در این دیدار، عباس‌میرزا از عقیده ولف مبنی بر «تأسیس مدرسه در ایران»، استقبال نمود و حتی در یکی از مباحث ولف با مسلمانان و یهودیان شرکت کرد. عباس‌میرزا خود با ولف به مباحثه پرداخت و سپس در نامه‌ای او را به «امیر بخارا» معرفی نمود. در مقابل این استقبال عباس‌میرزا از ولف، وی در بیرجند به سرقت

دوازده هزار تومان از اموال عباس میرزا متهم شد و تحت تعقیب قرار گرفت<sup>1</sup> که به سبب انگلیسی بودن او را رها کردند. ولف پس از رهایی، نسخی از کتاب مقدس را به زبان عربی و فارسی در آن ناحیه پخش کرد.

ولف در آخرین سفرش به ایران در سال 1843، با همراه آوردن تعداد قابل توجهی کتاب مقدس (عهد جدید)، پس از دریافت سفارش نامه هایی از سلطان عثمانی و شیخ الاسلام آن سامان، با «محمد شاه قاجار» ملاقات کرد و از وی نیز سفارش نامه هایی برای فعالیت گسترده تر دریافت نمود.

ب - فعالیت های استعماری: همان گونه که گذشت، فعالیت های تبلیغی کلیسا همواره با سیاست های استعماری کشورهای استعمارگر هماهنگ بود. فعالیت ژوزف ولف نیز از این قاعده مستثنی نیست. یکی از مهمترین نتایج فعالیت تبلیغی ولف برای استعمار، تحقیقات وی درباره اقلیت یهود در شرق، به ویژه در ایران بود. تحقیقات ولف در زمینه اقلیت یهود، سرآغازی برای نگاهی ویژه به یهودیان شرقی از جانب کلیسا شد. در ایام تبلیغ ولف در ایران، نظریه ای خاص در اروپا راجع به اسباط گمشده یهودیان رایج شد که بر اساس آن، رابطه ای این همانی میان افغانه و اسباط گمشده یهودیان برقرار می شد. احتمالاً از همین رو است که ژوزف ولف بیشترین تلاش خود را به تحقیق درباره یهودیان ایران و همچنین اسباط گمشده آنان، در این سرزمین و آسیای میانه معطوف کرد. از سوی دیگر، با توجه به پیشینه اندیشه رایج و سیاست انگلستان مبنی بر حمایت از یهودیان در شرق و ترغیب آنان به مهاجرت به فلسطین، می توان چنین انگاشت که فعالیت های ولف در زمینه شناسایی یهودیان، تاحدودی از این امر نشأت می گرفته است. در واقع، در صورت تعیین افغانه به عنوان یکی از اقوام یهود، اقدامات سیاسی دولت انگلستان برای نفوذ و تسلط بر افغانستان با عنوان قانون حمایت از یهودیان شرق، رسمیت می یافت و این امر به نوبه خود حضور انگلستان در شرق آسیای میانه را موجه می نمود. خود ولف در این باره می نویسد:

برای نخستین بار مسیحیت را به یهودیان مقیم ایران، خراسان، بخارا، افغانستان، دشت ترکستان، خوقند و تاتارهای چینی شناساندم و جمعی از یهودیان مصر، یافا، صنعا، یمن و بخارا را تعمیم دادم. من اولین بار مسئله یهود را در دانشگاه های آکسفورد، لندن، اوترخت و در کنگره آمریکا مطرح کردم.

سرانجام به دنبال فعالیت های گسترده و مداوم ژوزف ولف برای تبلیغ یهودیان شرق میانه - خاصه ایران - انجمن لندن برای اشاعه مسیحیت در میان یهودیان، در سال 1844 اولین مبلغان مسیحی را برای فعالیت در جوامع یهودی ایران اعزام کرد.

از سوی دیگر، با توجه به این که مقارن قرن نوزدهم میلادی (سیزدهم قمری) ایران از نظر موقعیت سوق الحیثی و استراتژیک به عنوان دروازه دسترسی به هندوستان، همواره مورد توجه دولت های انگلستان و روسیه قرار داشت، سفرهای مکرر ولف به شرق میانه را نمی توان با اهداف سیاسی و استعماری انگلستان در این ناحیه بی ارتباط دانست؛ خاصه آن که حضور ولف به عنوان مبلغ مذهبی در شرق میانه، کمتر از سفر کارگزاران سیاسی و نظامی انگلستان، توجه امرا و اهالی آن ناحیه را جلب می کرد.

#### ج - دستاوردها:

1. ملاقات با قشرهای مختلف مردم: از جمله مهم ترین فعالیت های ولف در سفرهایش به شرق میانه و ایران، ملاقات با قشرهای مختلف مردم بود. وی طی دیدار با افراد گوناگون، آمادگی آنان برای گرایش به مسیحیت را مد نظر قرار می داد و به شیوه های مختلف توجه آنان را به این آیین جلب می کرد. از جمله اقدامات وی در این زمینه، ملاقات وی با فردی به نام میرزا ابراهیم شیرازی است. گویا ولف پس از آشنایی با وی و بررسی توانایی های او، هزینه سفر وی به انگلستان را متقبل شد. گرچه از هدف اصلی ولف برای اعزام میرزا ابراهیم به انگلستان اطلاع دقیقی در دست نیست، اما میرزا ابراهیم با حمایت سرگور اوزلی به عنوان استاد زبان فارسی و عربی در کالج هند شرقی «هیلی بری» به کار مشغول شد. البته از تغییر یا عدم تغییر مذهب میرزا ابراهیم به وسیله ولف اطلاع دقیقی در دست نیست، اما نمی توان قبول کرد که بی هدف، ولف هزینه سفر وی را متقبل شود و سرگور اوزلی نیز مقدمات تحصیل و تدریس وی را در انگلستان فراهم کند. از آن جا که وی با یک زن انگلیسی ازدواج کرد و نام فرزند او نیز نامی مسیحی بود، می توان وی را یکی از نخستین دست پرورده های ولف و سایر مبلغان انگلیسی در ایران قاجاری دانست.

2. ولف درباره نسطوریان مقیم ارومیه و خسروی تحقیق کرد و نسخه ارزشمندی از اسفار پنج گانه تورات به زبان سریانی را با خود به انگلستان برد که انجمن کتاب مقدس، برای بریتانیا و خارج چندین نسخه از آن را چاپ و منتشر کرد.

3. خدمت ولف به مسیحیت، صرفاً محدود به حوزه ایران نبود. وی در سال 1835 سومین سفر خود را از انگلستان به شرق میانه از سر گرفت و این بار به تحقیق درباره مسیحیان و یهودیان قاهره، حبشه، جدّه و یمن پرداخت و نسخه هایی از کتاب عهد جدید را در دسترس آنان قرار داد.<sup>2</sup>

4. تبلیغات و تحقیقات ولف، به نتایج مثبتی در نحوه تعامل میان یهود و مسیحیت در ایران انجامید. قضیه از این قرار بود که انجمنی به نام «انجمن اشاعه مسیحیت در بین یهودیان» در سال 1809 و به منظور تبلیغ و تبشیر یهودیان به آیین مسیحیت و ایجاد تسهیلات آموزشی و پزشکی برای آنان در سراسر جهان، در لندن تأسیس شد. اما اعضای این انجمن تا زمان ورود ژوزف ولف به ایران و سفرهای مکرر او - در دهه‌های 1820 و 1830- برای تأسیس شعبه‌ای به منظور ترویج مسیحیت در بین یهودیان ایران، هیچ اقدامی به عمل نیاوردند. از این جهت، پس از آن که ژوزف ولف به انگلستان بازگشت، با تکیه بر اطلاعاتی که از وضع یهودیان ایران و سایر سرزمین‌های واقع در شرق میانه جمع‌آوری کرده بود، اولین هیأت برای فعالیت بین یهودیان در سال 1844 به ایران اعزام شد. اعضای این هیأت سه‌نفره به طور هم‌زمان در مناطق یهودی‌نشین ایران به جمع‌آوری اطلاعات و تبلیغ و تبشیر یهودیان پرداختند و شرح مشاهدات خود را در اختیار انجمن قرار دادند. مدتی بعد، فعالیت‌های مبلغان این هیأت در بین یهودیان ایران، توجه سر موزس مودته فیوره - رهبر یهودیان انگلستان - را به خود جلب کرد و وی بودجه خاصی را برای کمک به این هیأت در نظر گرفت. بدین ترتیب، هیأت اشاعه مسیحیت در بین یهودیان، در شهرهای تهران، اصفهان و همدان، سه مرکز تبلیغی تأسیس کرد و از آن پس، همکاری خود را با انجمن تبلیغی کلیسا در اصفهان که در میان تمام اقلیت‌های دینی در ایران فعالیت می‌کرد، آغاز نمود. «رابرت بروس» مؤسس انجمن تبلیغی کلیسا در اصفهان، در مراسم مذهبی که اعضای هیأت مبلغان انگلیسی برای یهودیان برگزار می‌کردند، به موعظه می‌پرداخت و دکتر کار در امر احداث نمازخانه برای بیمارستان این هیأت در اصفهان با آنان همکاری می‌کرد. به عبارتی گرچه هیأت انجمن اشاعه مسیحیت در بین یهودیان به‌ظاهر هیأت مستقلی محسوب می‌شد، اما در باطن جزئی از هیأت انجمن تبلیغی کلیسا در ایران بود. 3

### 3. رابرت بروس

انجمن تبلیغی کلیسا با توجه به ساختار مذهبی ایران مبنی بر حاکمیت غالب دیانت اسلام و تعصب مسیحیان بومی و سایر اقلیت‌های دینی در حفظ آیین‌های خویش، مایل بود بخش عمده فعالیت‌های تبلیغی خود را در سرزمینی چون هندوستان متمرکز کند تا از این طریق تاحدودی تحت حمایت نیروی استعماری انگلیسی حاکم بر آن منطقه، قرار گیرد و در ضمن، به تغییر کیش اهالی بومی آن سامان که به این امر مستعدتر و متمایل‌تر بودند، بپردازد. اما ناگفته نماند که اعضای انجمن تبلیغی کلیسا، بمرغم سفرهای مبلغان منفرد، برای حفظ حلقه‌های ارتباطی خود در هندوستان، همواره امکان فعالیت در ایران را مد نظر داشتند. با این حال آن‌ها هیچ‌گاه در صدد تأسیس یک پایگاه ثابت در ایران برنیامدند و شاید هم مبلغ داوطلب برای انجام این کار نیافتند؛ چرا که برای ایجاد چنین مرکزی، آنان نمی‌توانستند از وجود مبلغان منفرد سود جویند. در واقع، انجمن تبلیغی کلیسا حداقل به دو یا سه مبلغ دائمی نیاز داشت تا امکان حضور و فعالیت آنان را کمابیش تا حدود یک سال در ایران بررسی نماید و اطلاعات مورد نیاز آنان را برای توسعه امور تبلیغی در این کشور جمع‌آوری کند. سرانجام زمان مناسب برای این کار در سال 1869، یعنی مقارن بیست‌ویکمین سال حکمرانی ناصرالدین‌شاه قاجار (متوفی 1896) فراهم شد و انجمن تبلیغی کلیسا مبلغی به نام رابرت بروس را برای اقامت دو ساله به ایران فرستاد.

رابرت بروس یک مبلغ ایرلندی از اعضای کالج تثلیث دبلین بود که در بیست‌وپنج سالگی و به سال 1858 از مقام شماسی - خادم کلیسا و رتبه‌ای پایین‌تر از کشیش - به عنوان کشیش، تعمیم داده شد و برای خدمت در هیأت انجمن تبلیغی کلیسا در ناحیه آمرینسار در پنجاب هندوستان مستقر شد. بروس در سال 1868 به سبب بیماری به همراه همسرش به انگلستان بازگشت و یک سال بعد به تنهایی بار دیگر سفر خود را به هندوستان در پیش گرفت. وی از آنجا که طی اقامت در هندوستان با فارسی‌زبانان بسیاری روبه‌رو شده بود، تصمیم گرفت برای تکمیل زبان فارسی خود و اصلاح ترجمه انجیل هنری مارتین مدتی در ایران به سر برد. از این رو، وی در سال 1869 به عنوان تنها نماینده انگلیسی دولت انگلستان در جلفای اصفهان مستقر شد تا ترجمه فارسی انجیل و تورات را اصلاح نموده، کتاب دعایی را به زبان ارمنی ترجمه کند. 4 ورود بروس به اصفهان با یکی از ادوار بروز فحطی در سراسر ایران و شیوع وبا در اصفهان هم‌زمان بود. بروس با تکیه بر وظایف تبلیغی خویش، در صدد برآمد ضمن انجام امور خیریه، برای نگهداری و رسیدگی به فحطی‌زدگان و بیماران مبتلا به وبا، اولین نمونه از فعالیت‌های انجمن تبلیغی کلیسا را به جامعه اصفهان معرفی کند. وی پس از آن که همسرش در سال 1870 به او ملحق شد، کار رسیدگی به آسیب‌دیدگان را آغاز کرد و حدود هفت هزار نفر را که دو هزار نفر آن‌ها ارمنی بودند، تحت پوشش قرار داد. بدین ترتیب، حدود شانزده هزار پوند از لندن و مبلغی حدود هزار پوند به عنوان اعانه برای فحطی‌زدگان، خاصه ارمنه و یهودیان جلفا و اصفهان به دست بروس رسید. هزینه نگهداری و رسیدگی از این افراد را، بروس و برخی حامیان امور تبلیغی در انگلستان و اروپا تأمین می‌کردند.

برخی از ارمنه جلفا از فعالیت‌های بروس استقبال کردند و به وی پیشنهاد کردند در تأسیس یک مدرسه کوچک برای ارمنه به آن‌ها کمک کند. البته در همان حال گروه دیگری از ارمنه جلفا به‌طور علنی با حضور بروس و فعالیت‌های او - که کمابیش سبب تغییر آیین برخی از ارمنه و پذیرش آیین پروتستان شده بود - مخالفت می‌کردند.

بروس طی پنج سال اقامت خود در ایران، علاوه بر انجام امور خیریه که در نهایت برای جلب توجه اهالی اصفهان و جلفا نسبت به فعالیت‌های هیأت تبلیغی بود، امر تبلیغ و ترویج آرا و عقاید مسیحیت پروتستان را نیز بر عهده داشت. وی برای نیل به این مقصود، مراسم مذهبی را در محل اقامت خود به زبان فارسی برگزار می‌کرد و تنها سرودها و مزامیر را به زبان ارمنی بیان می‌نمود. وی بر

آن بود که علاوه بر ارامنه، سایر اهالی جلفا و اصفهان مانند مسلمانان و یهودیان را نیز به پذیرش آرا و عقاید پروتستان دعوت کند. البته فعالیت او در این زمینه، در بیشتر موارد بی‌نتیجه بود. با این حال، پس از گذشت شش سال از اقامت بروس در جلفا، سرانجام انجمن تبلیغی کلیسا متقاعد شد تا فعالیت بروس در ایران را به رسمیت بشناسد و بدین ترتیب در تابستان 1875 اولین هیأت انجمن تبلیغی کلیسا به طور رسمی کار خود را در ایران دنبال کرد و از پشتیبانی و حمایت دائمی و رسمی انجمن مذکور برخوردار شد.

به مرور ایام و به‌ویژه پس از سفر موفقیت‌آمیز بروس و خانواده‌اش به ایرلند در سال 1881 که به تأمین بودجه مورد نیاز هیأت انجامید، شماری از مبلغان ایرلندی آمادگی خود را برای همکاری و فعالیت در هیأت انجمن تبلیغی کلیسا در جلفا اعلام کردند. برخی از این اعضای جدید، از مبلغان منفرد و شماری از آنان نیز از جمله زنان مبلغ بودند. از آن پس، فعالیت مبلغان هیأت انجمن تبلیغی کلیسا در جلفا در سطح قابل‌توجهی توسعه یافت و در سه شاخه امور مذهبی، آموزشی و پزشکی متمرکز شد که در واقع دو شاخه آموزشی و پزشکی، جزئی از فعالیت مذهبی بودند.

#### فعالیت‌های بروس

الف - فعالیت‌های تبلیغی: اگرچه رابرت بروس برای ترجمه و تصحیح متون کتب عهد عتیق و جدید به ایران آمد، اما حیطه وظایف او تنها به این امر محدود نمی‌شد. آرتور آرنولد - سیاح انگلیسی - ضمن توصیف بروس از وی به عنوان یک مبلغ استثنایی، سرباز الهی با ذائقه‌ای خاص برای جنگ مذهبی در دورترین مکان‌های زمین و مسلطترین فرد در ایران به زبان فارسی یاد می‌کند. رابرت بروس به سبب تسلط بر زبان فارسی، علاوه بر ترجمه و تصحیح کتب مقدس، برای اهالی جلفا موعظه می‌کرد و از ترجمه متون مذهبی به زبان فارسی برای جلب توجه عامه مردم سود می‌جست. همچنین بروس کلاس‌هایی برای فراگیری زبان انگلیسی برای بزرگسالان تشکیل داده بود. پس از این کلاس‌ها، مراسم عبادی به شیوه آیین ارامنه برگزار می‌شد. این کلاس‌ها و مراسم، انگیزه لازم را برای جلب توجه ارامنه به حضور در هیأت ایجاد می‌کرد. اگر چه اکثر ارامنه هیچ‌گاه از عقاید خود بازنگشتند، اما به هر حال حضور در هیأت بر وجهه ظاهری فعالیت مبلغان انجمن تبلیغی کلیسا می‌افزود.

ب - فعالیت‌های آموزشی: رابرت بروس پس از اقامت در جلفا به پیشنهاد برخی از ارامنه و با همکاری کاراپت هوانس، مدرسه‌ای برای آموزش پسران ارمنی در جلفا تأسیس کرد. این مدرسه در حدود سال 1874 کار خود را در جلفا آغاز کرد. سه سال پس از تأسیس این مدرسه در 1877 حدود 131 شاگرد - که همگی، جز سه کودک، ارمنی بودند - در این مدرسه تحصیل می‌کردند. بعضی از فرزندان کشیشان ارمنی نیز در شمار این محصلین بودند. همچنین برخی از کودکان بی‌سرپرست نیز در این مدرسه تحصیل می‌کردند که طبعاً هیأت انجمن تبلیغی کلیسا مخارج تحصیل آنان را تأمین می‌کرد. شمار دانش‌آموزان این مدرسه در سال 1891 حدود 205 نفر بود و در مدت پانزده سال، حدود 56 درصد به تعداد دانش‌آموزان آن افزوده شد. برنامه درسی این مدرسه عبارت بود از: آموزش زبان لاتین، فرانسه، انگلیسی، چهار کتاب اول هندسه اقلیدسی و جبر، که بعضی از این دروس به نوجوانان تدریس می‌شد. به نقل از دکتر ویلز، برنامه درسی این مدرسه با کلاس‌های درسی سیکل اول دبیرستان در انگلستان مطابقت داشت. علاوه بر مدرسه پسرانه، هیأت جلفا مدرسه دخترانه‌ای نیز ایجاد کرد. این مدرسه را مبلغان زن اداره می‌کردند و حدود صد دانش‌آموز دختر در آن به تحصیل اشتغال داشتند. همچنین کلاس‌های خاصی برای تعلیم فنون و حرف‌مختلف، از جمله نجاری برای پسران و خیاطی، سوزن‌دوزی و برودری‌دوزی برای دختران در نظر گرفته شده بود که به سبب امکان استفاده از این فنون در زندگی روزمره و امرار معاش، این کلاس‌ها بسیار مورد استقبال دانش‌آموزان و خانواده‌های آنان قرار گرفت. فتنی است تعلیم این حرف را غالباً استادکاران بابی بر عهده می‌گرفتند و دولت انگلستان نیز از صرف هزینه در این خصوص خودداری نمی‌ورزید. علاوه بر این، گروهی از ارامنه جلفا که کودکان آن‌ها در این مدرسه تحصیل می‌کردند، معتقد بودند که کودکانشان پس از تحصیل در این مدارس و آشنایی با زبان انگلیسی، به سهولت می‌توانند به هندوستان بروند و با پرداختن به برخی امور اقتصادی، از موقعیت مالی مناسب برخوردار شوند و با ارسال مبالغی، خانواده‌هایشان را تأمین کنند و تغییر قابل توجهی در وضع اجتماعی و اقتصادی خود به وجود آورند. به نقل از ایزابلا برد، با در نظر گرفتن بزرگسالانی که در این هیأت تعلیم می‌دیدند، حدود سه‌هزار نفر از نان، پس از فراگیری زبان، علوم و حرف‌مختلف به هندوستان، جاوه یا اروپا می‌رفتند و در این نواحی به تحصیل یا کار مشغول می‌شدند. کلارا رایس، از سیاحان و وابستگان به انجمن تبلیغی کلیسا، نیز در کتاب خود به نام زنان ایران و رسوم آن‌ها به مواردی از این مهاجرت‌ها اشاره کرده، یادآور می‌شود که برخی دختران دانش‌آموز در مدارس هیأت برای تحصیل پزشکی و سایر علوم به ایالت متحده آمریکا، هندوستان و انگلستان می‌رفتند. در مدارس هیأت انجمن تبلیغی کلیسا، علاوه بر تعلیم و تدریس دانش‌آموزان، مکان مخصوصی نیز برای فعالیت‌های ورزشی آنان در نظر گرفته شده بود.<sup>5</sup>

1. در قضیه تنباکو، ظل‌السلطان برای تجدید مراتب خدمتگذاری خویش نسبت به دستگاه رژی و انگلیس، تلگرافی به آرنستین فرستاد و نوشت: «بر عهده خود واجب می‌دانم که مساعی خود را از هر جهت به کار ببرم و تا به حال با وجود ضعف و ناخوشی، از هیچ کمکی مضایقه نداشته‌ام... هرچه مستر موئیر خواسته همواره برآورده‌ام و بعد از این نیز انجام خواهم داد. و به حرمت‌های آخوندها نباید اعتنایی داشت.» (ابراهیم صفایی، رهبران مشروطه، تهران، جاویدان، 1346؛ نقل از موسی نجفی، همان، صص 64-63)
2. سه سال پس از نهضت تنباکو که ناصرالدین‌شاه به علت اعتراض مردم، ظل‌السلطان را به تهران احضار کرد و او را در شرف عزل قرار داد، ایادی انگلیس در تهران به‌زور ظل‌السلطان را برای بار مجدد به ناصرالدین‌شاه تحمیل کردند و حکم دوباره وی برای اصفهان را از او گرفتند.
3. الگار، حامد، دین و دولت در ایران (نقش علما در دوره قاجار)، ترجمه: ابوالقاسم ستیری، تهران، توس، چ 2، 1369، ص 167
4. حائری، عبدالهادی، نخستین رویارویی‌های اندیشه‌گران ایران با دو رویه تمدن و بورژوازی غرب، تهران، امیرکبیر، چ 3، 1378، صص 532 - 507 (با تلخیص، تغییر و تصرف).
5. ولف، یک بار دیگر نیز، مدتی در بخارا زندانی شد تا این‌که به وساطت محمدشاه و اصرار کلنل شیل، سفیر انگلستان در ایران، آزاد شد و به ایران بازگشت.